



تنبيه زن و مصاديق آن در فقه اماميه و اهل سنت

با تأكيد بر فقه حنفي

مأئده رضایی^۱

سویتا ابراهیمی^۲

چکیده

تنبيه و هشدار دادن به زن هنگام تمرد از ايفای حقوق شوهر یکی از احکام الهی است که در قرآن و روایات تفسیری چگونگی آن مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه فقه امامیه و اهل سنت آیه ۳۴ سوره نساء به خاطر حفظ روابط عاطفی زوجین و پایداری زندگی زناشویی زوجین سه راهکار اولویت بندی شده: نصیحت، هجر در بستر و زدن برای درمان نشوز زن ارائه شده است. فقها در مسئله ضرب و تنبيه زن نظرهای مختلفی ارائه می دهند که جمع بین نظریه فقههای امامیه و اهل سنت ضرب غیر مبرح و با مسواک با انگیزه تأدیب و اصلاح جایز است و در غیر این صورت شوهر ضامن است. **واژگان کلیدی:** تنبيه، نشوز، وعظ، هجر، ضرب، فقه شیعه، فقه حنفي

۱- دکترای تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه، طلبه سطح درس خارج فقه و اصول

۲- کارشناسی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه

مقدمه

پس از اعتقاد به اصل اصیل ازدواج با توجه به آیه دوم سوره روم، زن موجودی آرامش بخش لقب گرفته است و با توجه به اینکه زندگی، صحنه رزم است و زن جهادگری در این صحنه، میزان مجاهد بودن او به چگونگی درجه آرامش بخش وی بستگی دارد؛ زیرا خانه برای زن در نظر اسلام خط مقدم جبهه فرض گردیده است و جهاد او خوب شوهرداری کردن است. و بی دلیل نیست که اسلام برای ساختن جامعه ای فاضل، نخست به ساختن و تربیت زنان اقدام می کند و رسول گرامی اش زن صالحه را به عنوان یکی از گل های بهشت معرفی می کند. (شیخ صدوق: ۱۴۱۳هـ، ج ۳، ص ۵۵۶، ح ۴۹۱۱)

عقد ازدواج حقوق و تکالیفی برای زن و شوهر به وجود می آورد و آنان را نسبت به تأمین برخی نیازهای یکدیگر شرعاً متعهد می سازد. حسن معاشرت همسران نسبت به یکدیگر یکی از تکالیف مشترک آنهاست و از منظر اخلاق، داشتن رفتار خوش، هم وظیفه مرد است و هم وظیفه زن، و لکن قانون اسلام آن را وظیفه خاص مرد و حق اختصاصی زن قرار داده است.

باید توجه داشت که رفتار زن با تخلف از حقوق شوهر دچار دگرگونی می شود؛ به طوری که شوهر براساس آیه ۳۴ سوره نساء مجوز تنبیه زن ناشزه در سه مرحله نصیحت، قهر و ضرب به زوج داده شده است.

فصل اول: کلیات تحقیق

الف - بیان مسئله

عقد نکاح (دکتر حمید مسجدسرای ۱۳۹۳، ص ۳۳۶) حقوقی را به دنبال دارد که در صورتی که یکی از طرفین عقد ازدواج تخلف کند تعبیر به نشوز می شود و در صورتی که زوجه ناشزه باشد برای زوج راهکارهای مقابله با مسئله نشوز زوجه در آیه ۳۴ سوره نساء داده شده است.

با توجه به معنای لغوی تنبیه که همان آگاهی و هشدار دادن زوجه می باشد در قرآن و روایات و به تبع آن متون فقهی (فقه جعفری و اهل سنت) مسئله تنبیه که ناشی از نشوز زوجه است که براساس آیه ۳۴ سوره نساء واژگان (نشوز - ضرب) را به



کار برده است که در این خود مجوزی برای تنبيه زوجه دائمی می‌باشد. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود؛ این است که: آیا زوج با توجه به فقه جعفری و اهل سنت با تأکید بر فقه اجازه تنبيه زوجه را در صورت ناشزه بودن دارد؟ مصادیق آن چیست؟ و بالعکس در صورتی که زوجه به ناشزه بودن خود ادامه داد چه حکمی از دیدگاه فریقین بر او باز می‌شود؟

ب- ضرورت موضوع

این موضوع گرچه با واژه نشوز و عدم تمکین به معنی خاص و به صورت حقوقی کار شده است؛ اما تاکنون به طور مستقل یا موضوع تنبيه زن و مصادیق آن در فقه جعفری و اهل سنت با تأکید بر فقه حنفی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است؛

زیرا ضرورت فهم دقیق آیه این را ایجاب می‌کند که بعضی از رفتار نادرست مردان با همسران شان سوء استفاده از این آیه بوده و از سویی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به طور صریح دستور اکرام زن را صادر می‌فرمایند؛ زیرا او یکی از کارگزاران خدا و مجرای حیات بخش خدا است که می‌فرماید:

«ما اکرم النساء الا کریم و ما اهانهنّ الا لئیم»

زنان را گرامی نمی‌دارند مگر افراد بزرگوار و به آنها اهانت نمی‌کنند مگر مردم پست و فرومایه. (جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸، ص ۷۰).

ج- پیشینه تحقیق

واژه نشوز و تنبيه زن در کتاب نکاح باب نشوز مانند تحریر الاحکام الشریعه علی المذهب الامامیه از علامه ابن یوسف مطهر اسدی علامه حلی، الوسيله الی النیل الفضيله از محمد بن علی بن حمزه طوسی، الروضه البهیمه فی الشرح للمعه الدمشقیه از شهید ثانی، نشوز زوجین در فقه و نظام حقوق ایران با تألیف فرج الله هدایت نیا و یا موقعیت زنان بزه دیده در فقه و حقوق به نویسندگی عبدالکریم اسکندری و همچنین مبانی حقوق و تکالیف زن در ازدواج از دیدگاه فقه امامیه نوشته فاطمه میر شمسی، شرط عدم تمکین در نکاح دائم با نویسندگی محمود امامی نمین و کریم راجی، دیدگاه فقهی معاصر سه براساس منابع و دیدگاه اهل سنت با تألیف یوسف قرضاوی، الفقه علی المذاهب الخمسه محمد جواد مغنیه، فقه تطبیقی محمد حسن مبین، آیات الاحکام صابونی و قرطبی مورد بررسی قرار گرفته است.





فصل دوم: مفهوم شناسی

۱- تنبیه: از مصدر نَبَّهَ یعنی جلب کردن نظر به حقی یا تعهدی - اخطار و اعلام گرفته است. (پرویز اتابکی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۸۷۴)
یا تَنَبَّهَ تَنبِهاً مِنَ النُّومِ: از خواب بیدار شد - للأمر علیه (بر آن کار آگاه و هوشیار شد). (خلیل جرّ، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۶۶۵)

۲- نشوز: در لغت از ریشه (ن - ش - ز) دلالت بر ارتفاع و بلندی دارد. (ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، ۱۳۸۷، ص ۹۵۳) یا از نَشَرَ يُنَشِرُ يَنْشِرُ نَشَوراً القوم فی الخصومه یا نَشَرَتِ المَرأه زوجها و منه و علیه: آن از شوهرش ناسازگاری کرد و او را دشمن دانست و نَشَرَ عنها و علیها و منها: شوهر آن زن رفتاری کرد و آن زن را دشمن دانست. (لویس معلوف، فرهنگ المنجد العربی - فارسی، مترجم محمد بندر ریگی، ج ۲، ص ۱۹۳۳)
زن سرکش و نافرمان را ناشزه گویند. در اصطلاح خروج از فرمانبرداری و امتناع یکی از زوجین از انجام دادن حقی که ر او واجب است و نا فرمانی کردن (قدرت الله مشایخی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲ - ۱۰۳؛ بهنام رستگار، ۱۳۷۹، ص ۴۶) و نشوز المَرأه: ترک کردن زن خانه شوهرش را بدون دلیل و توجیه شرعی. (دکتر سید محمد حسینی، ۱۳۸۲، ص ۵۳۰-۵۳۱)

۳- تمکین: تمکین دو قسم است.

الف) تمکین عام: آن اطاعت از مرد است در امور زندگی زناشویی، مثل قبول سکونت در خانه ای که شوهر انتخاب کرده و یا عدم خروج زن از خانه بدون اجازه شوهر و نیز حسن معاشرت زن با شوهر خود و پیروی از او در امور مربوط به زناشویی است. (محمودرضا شریعتمداری، ۱۳۸۸، ص ۲۹-۳۰)

ب) تمکین خاص: عبارت است از تأمین نیاز جنسی زن با شوهر و زن باید همیشه آماده برای آن باشد مگر آنکه بیمار باشد و این امر موجب زیان او گردد و یا موانع شرعی داشته باشد، مثل صوم، قاعدگی و... در غیر این صورت، برخلاف وظیفه (حسن معاشرت) رفتار کرده است. (محمودرضا شریعتمداری، ۱۳۸۸، ص ۳۰)

۴- موعظه: واژه موعظه از ریشه (وعظ) به معنای نصیحت و یا داوری عواقب امور است. وعظ: وَعَظَ يَعْظُهُ وَعَظاً، او را پند داد، نصیحتش کرد، از او خواست که مطیع و فرمانبردار شود، گرفته شده است. (دکتر ابراهیم انیس، دکتر عبدالعظیم منتصر، عطیه الصوالحی، محمدخلف احمد، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۲۲۰)

۵- هجر: در لغت از هَجَرَ يَهْجُرُ هَجْرًا، دور شد. الفحل: حیوان نر جفت گیری را ترک کرد. الّثی او الشخص: آن چیز یا آن شخص را ترک و از وی اعراض کرد. او زوجه: زن خود را ترک کرد بدون اینکه طلاقش دهد. (دکتر ابراهیم انیس، دکتر عبدالعظیم منتصر، عطیه الصوالحی، محمدخلف احمد، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۰۷۴)

مراد از هجر در محل خواب، پشت کردن به زن به هنگام خواب یا جدا کردن محل خواب است که هر کدام را برخی از فقها بیان کرده اند و برخی نیز آن را کنایه از ترک جماع دانسته اند. روشن است که در مورد اول مستلزم ترک جماع است؛ ولی ترک جماع مستلزم آن دو نیست.

ظاهر آیه شریفه آن است که به مرد تعلیم و اجازه می‌دهد پس از بی تأثیر بودن پند و اندرز و گفتگو، با رفتارهایی که برای زن ناخشنود و هشدار دهنده است، بر او تأثیر گذارد و او را از ظلم و گناه و تضییع حقوق شوهر باز دارد. (امیر رحمانی، ۱۳۹۱، ص ۴۸۹-۴۹۱)

۶- ضرب: در لغت به معنی زدن، کوبید، ضربه زد، نواخت، (روحی البعلبکی، ۱۳۸۵، ص ۶۷۶) می‌باشد. آنچه مسلم است و جای شبهه ندارد اینکه صدور ضرب از انسان و وقوع آن بر غیر، در صورتی که هیچ حرف جدی وجود نداشته باشد و قرینه ای هم بر اراده معنای مجازی با استعاره و کنایه در میان نباشد؛ به همان مفهوم کوبیدن بر او با اعضای بدن یا به وسیله چیزی است. گفتنی است در هیچ کتاب لغتی معنای دیگری برای ضرب در این حالت ذکر نشده است و در عرف هم مفهوم دیگری تبادر نمی‌کند. و بدون قرینه خاص وقتی به موجود دارای حس و جاندار واقع می‌شود، تولید درد و ناخشنودی می‌کند و در انسان نیز موجب تألم روحی و اذیت و احساس هتک حرمت می‌شود. (امیر رحمانی، ۱۳۹۱، ص ۴۹۴-۴۹۵)

فصل سوم: تنبیه زوجه از دیدگاه فقه امامیه

در آیه ۳۴ سوره نساء سه راهکار تربیتی (موعظه، هجر و دوری از همسر در بستر خواب و ضرب) برای جلوگیری از نشوز زن معرفی شده است. طبیعی است که هریک از این راهکارها در جای خود شایسته و است و اگر به صورت دقیق و ظریف به کار گرفته شود، می‌تواند آرامش و صفا را به کانون خانواده باز گرداند. مفهوم راهکار اول و دوم روشن است؛ اما در مورد روش سوم، برداشت های مختلفی ارائه شده است.

دیدگاه فقهی و ادله فقهی جوایز تنبیه زن:

فقه‌های فریقین موضوع تنبیه زن ناشزه را در باب نشوز المرأة مطرح کرده اند و بر جواز تنبیه وی طی شرایطی اجماع دارند.

شیخ صدوق می گوید:

«فَإِذَا كَانَ مِنَ الْمَرْأَةِ فَهَوَ أَنْ لَا تُطِيعَهُ فِي فِرَاشِهِ وَهُوَ مَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ - وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِلَهُجْرَ أَنْ يَحُولَ إِلَيْهَا ظَهْرُهُ وَالضَّرْبُ بِالسَّوَاكِ وَغَيْرِهِ ضَرْبًا رَفِيقًا»؛ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳هـ، ج ۳، ص: ۵۲۱)

اگر زنی از هم خوابی، با همسرش موافقت نداشت، که بنابر آیه قرآن، ناشزه است، هنگام خواب، شوهر، پشت خود را از همسرش کند، اگر اصلاح نشد، با چوب مسواک یا چیزی دیگر او را بزند.

علامه حلی در این باره می گوید:

«...فَإِنْ صَرَّحَتْ بِالنُّشُوزِ وَالْإِمْتِنَاعِ عَنْ طَاعَتِهِ فِيمَا يَجِبُ لَهُ، بِأَنْ يَدْعُوَهَا إِلَى الْفِرَاشِ فَتَمْتَنِعَ، وَ أَصَرَّتْ عَلَيْهِ، جَازَ لَهُ ضَرْبُهَا إِجْمَاعًا»؛ (علامه حلی، ۱۴۲۰هـ، ج ۳، ص ۵۹۷)

اگر آشکار شد که زنی، ناشزه است، مرد می تواند زنش را بزند تا از او اطاعت کند.

ابن ادریس گفته است:

«وَيُحِلُّ لِلزَّوْجِ ضَرْبُهَا بِنَفْسِ النُّشُوزِ عِنْدِنَا، بَعْدَ الْوَعْظِ لَهَا، وَ الْهَجْرَانِ فِي الْمَضْجِعِ، لظَاهِرِ التَّنْزِيلِ وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ»؛ (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰هـ، ج ۲، ص ۷۲۹)

بر مرد حلال است که زن ناشزه خود را بزند، البته بعد از موعظه کردن و بعد از دوری از هم خوابی در بستر خواب. این حکم، با ظاهر آیه سازگارتر است.

شهید ثانی می گوید:

«فَإِذَا امْتَنَعَتْ مِنْ طَاعَتِهِ فِيمَا يَجِبُ لَهُ - وَ لَمْ يَنْجَعْ ذَلِكَ كَلَهُ - ضَرْبُهَا مُقْتَصِرًا عَلَى مَا يُؤْمَلُ بِهِ رَجوعَهَا»؛ (زین الدین عاملی، شهید ثانی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ۱۴۱۲هـ، ج ۲، ص ۱۳۳)

اگر زنی از اطاعت کردن شوهرش سر باز زد، تا حدی که زن گوش به فرمان شوهر خود شود، شوهر می تواند او را بزند.

فقه‌های معاصر نیز در کتاب نکاح ضرب زن ناشزه را جایز دانسته اند. برای نمونه نقل می شود که، امام خمینی فرمود: «اگر زن... بر کارهایش



اصرار داشته باشد زدنش جایز است و باید به اندازه‌ای که با آن امید برگشتن او باشد، اکتفا شود...» (سیدروح الله موسوی خمینی، ۱۴۲۵هـ، ج ۳، ص ۵۴۵)

ادله فقها بر جواز ضرب زن ناشزه:

۱- کتاب عزیز، چنان که نقل شد مهمترین دلیل فقها ظاهر آیه ۳۴ سوره نساء است.

۲- اجماع، علامه حلی مدعی اجماع بود اما این اجماع بدلیل مستند بودن به آیه نامبرده است اجماع مدرکی است و به تنهایی حجت نمی‌باشد.

شرایط تنبيه زوجه ناشزه:

از جمله مسائلی که در این آیه محل بحث و بررسی است؛ اینکه آیا این احکام سه گانه مربوط به صورت ترس از نشوز است یا علم به نشوز؟

ظاهر آیه دلالت دارد که این احکام سه گانه مربوط به صورت خوف از نشوز و سازگاری زن است. نه صورت علم به آن. (والّتی تخافون نشوزهنّ فعظوهنّ...) لیکن نظر به اینکه هجر و ضرب دو نوع عقوبتی هستند که برای زن و آن بدون تحقق جرم، جایز نیست. از این رو در معنی آیه اختلاف شده است. محقق حلی در مختصر النافع طبق ظاهر آیه فتوا داده؛ یعنی ظهور امارات نشوز را کافی در این احکام ثلاثه دانسته، خوف را به همان معنی ترس گرفته است. (دکتر ابوالقاسم گرجی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۸)

ابن جنید احکام یاد شده را مربوط به صورت تحقق حالت نشوز دانسته خوف را به معنی علم گرفته است و صاحب جواهر گفته است که تا وقتی زوج علم به نشوز زوجه پیدا نکرده، نباید کیفر سوم را اجرا کند؛ زیرا عمل حرامی از زوجه سر نزده است تا مستوجب عقوبت باشد. (دکتر فاطمه میرشمس، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳)

جمعی نیز وعظ را مربوط به حالت خوف، و هجر را مربوط به علم نشوز و تحقق عینی آن دانسته اند که به نظر می رسد قول اخیر صحیح تر باشد. (دکتر اسدالله لطفی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۷) زیرا در معانی واژه تخافون تغییری نمی‌دهند، ولی آن را فقط به اعتبار موعظه می‌دانند و قبل از هجر و ضرب واژه دیگری در تقدیر گرفته‌اند.





ارزیابی نظرات:

۱- حمل کلمه خوف در آیه بر غیر معنای حقیقی درست نیست؛ مگر آنکه قراین معتبر موجود باشد و ضرورت اقتضاء کند. بنابراین، حتی تا آنجا که ممکن است باید در این آیه معنای حقیقی خوف را در نظر گرفت از معنای مجازی مانند علم پرهیز کرد.

کسانی که خوف در آیه شریفه را علم می‌دانند، از آیات دیگر گواه آورده اند که مدعی هستند در آن آیات نیز خوف به معنای علم است. در حالی که معنای خوف در آن آیات مورد اتفاق نیست و گروهی از مفسران خوف را در آن آیات به معنای حقیقی خود می‌دانند. با دقت در معنای آن آیات روشن می‌شود که نه فقط برای حمل کلمه خوف در آنها بر معنای علم، دلیل مقتضی وجود ندارد و خلاف ظاهر است، بلکه نتیجه چنین حملی در آیات معنای صحیحی نخواهد بود.

در این آیه شریفه و این فرمانی که مترتب بر خوف نشوز است، امر به موعظه می‌باشد. موعظه بدون علم به نشوز و با خوف نیز مناسبت و ناسازگاری دارد و به همین جهت، هیچ ضرورتی برای حمل خوف بر معنای علم وجود ندارد؛ بلکه فرمان به موعظه در حالت بیم از نشوز امری پسندیده است.

به کار گیری کلمه خوف در این گونه آیات گویای نگاه پیشگیرانه قرآن به مشکلات خانوادگی است، به عبارت دیگر، قرآن کریم برای اینکه اختلافات خانوادگی فزونی نیابد و مشکلات انباشته نشود، خوف و نگرانی را برای اقدامات پیشگیرانه کافی می‌داند و زن و شوهر و بستگان آنان را قبل از به وجود آمدن نشوز از جانب زن و مرد و یا تحقق شقاق میان آنها، دعوت به حل مشکل و رفع زمینه های نشوز و شقاق می‌کند.

۲- ابن هشام می‌گوید: «حرف» واو «عطف، علاوهر معنای جمع مطلق معنای ترتیب نیز دارد». او این قول را به بسیاری از نحویان نسبت می‌دهد و از ابن مالک نقل می‌کند که موارد استعمال «واو» به معنای ترتیب فروان است. بنابراین حمل کلمه «واو» بر ترتیب به خلاف صناعت ادبی نیست و اگر قرینه ای استوار بر این معنا باشد حمل آن بر ترتیب، پسندیده ارجح است.

امور سه گانه وعظ، هجر و ضرب در آیه اموری باز دارنده و پیشگیرانه برای نشوز می‌باشند که به طور طبیعی تدریجی اند و از ضعیف به قوی آمده اند. این بیان تدریجی از ضعیف به قوی مهم ترین قرینه

برای معنای ترتیب است. پس فهم عرفی از آیه چنانچه نظر بیشتر فقیهان نیز می‌باشد، ترتیب است. از این رو، نخستین فرمان به شوهر در صورت آشکار شدن رفتاری از زن که موجب خوف از نشوز می‌شود، موعظه است و در صورت بی‌فایده بودن موعظه، فرمان به هجر متوجه او خواهد بود و اگر هجر نیز مؤثر نباشد، می‌تواند همسرش را کتک بزند. ۳- قاعده عقلی که موجب شده است بیشتر فقیهان یا مفسران خوف را به معنای علم بگیرند یا قبل از فرمان به هجر و ضرب، کلمه ای را مقدر بدانند، قاعده «عدم جواز مجازات قبل از وقوع جرم» است که نقطه مقابل آن در عرف به «قصاص قبل از جنایت» تعبیر می‌شود. بسیاری از فقیهان در توضیح این آیه به این قاعده تصریح کرده‌اند. بنا بر این قاعده، فقط خوف از نشوز نمی‌تواند مجوز هجر و ضرب باشد. شیخ طوسی می‌گوید: «به اجماع فقها نمی‌توان بدون تحقق نشوز و به صرف خوف از آن این دو حکم را نسبت به زن جاری کرد. به همین جهت می‌بایست قبل از هجر و ضرب کلمه ای را در تقدیر گرفت».

پس به استناد اجماع و قرینه عقلی، نمی‌توان آیه را بر معنای ظاهرش حمل کرد و ناگزیر باید خوف را به معنای علم دانست و یا قبل از هجر یا ضرب کلمه ای را در تقدیر گرفت. وجه دوم رجحان دارد؛ زیرا نگاه پیشگیرانه قرآن کریم مؤید معنای اصلی خوف است. از سوی دیگر معنای ترتیب در آیه که پیش از این ثابت شد، قرینه ای برای وجه دوم است؛ زیرا وقتی ثابت شد که وعظ، هجر و ضرب در یک مرتبه نیستند و فرمان به هریک بعد از عمل به مرتبه قبل است، این احتمال تقویت می‌شود که شرط عمل به هریک نیز متفاوت است و صرف خوف از نشوز برای عمل به مراحل بعدی کافی نیست.

از اینرو، می‌تواند شرط عمل به مراحل بعدی تحقق نشوز باشد و چون دو مرحله هجر و ضرب از نوع عقوبت می‌باشند و قرینه عقلی و عرفی بر عدم جواز عقوبت قبل از جرم وجود دارد، پس خداوند شرط فرمان به هجر و ضرب را در کلام خود مقدر کرده، فهم آن را به عرف واگذار نموده است. (مسعود امامی، ۱۳۸۸، ص ۸۲ - ۸۵)

مصادیق تنبيه بدنی:

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که مجوز اعطا شده در آیه مورد بحث مربوط به چیست، در این خصوص سه احتمال قابل بررسی است. احتمال نخست آن است که مقصود آیه مبارکه مشروعیت تنبيه بدنی زوجه در صورت عدم تمکین او در امور جنسی باشد. دومین احتمال

این است که آیه شریفه در مقام اعطای مجوزی به شوهر برای تنبیه همسری است که از اطاعت وی در مدیریت خانواده سر باز می‌زند، و سومین احتمال این است که آیه شریفه مطلق است و به شوهر اجازه می‌دهد همسر ناشزه اش را تنبیه نماید، خواه سبب آن عدم تمکین باشد یا نافرمانی.

روایات: روایاتی که از معصومین در مورد مسئله نشوز و محدوده ضرب به دست ما رسیده است را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) روایات نهی از ضرب

با وجود رخصت تنبیه بدنی زن در حالت ضروری، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «ولن یضرب خیارکم». نیکان و بزرگان شما هیچگاه اقدام به تنبیه بدنی نمی‌کنند.

در سیره پاک و صحیح رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شده که آن حضرت نه تنها هرگز همسرش را نزده است، بلکه هیچگاه دست روی خادم خود یا حیوانی بلند نکرده است! تا حدی که اگر مردی زنش را مورد ضرب قرار می‌داد، متعجب و نگران می‌شد که چگونه این مردان صبح زنان خود را می‌زنند و سر شب با آنان هم بستر می‌شوند؟ (دکتر یوسف قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۵۰ - ۵۲)

ب) روایات جواز ضرب

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در خطبه وداع فرمود: «ای مردم! زنانتان بر شما حقی است و برای شما بر آنان نیز حقی است. حق شما بر آنان این است که کسی را بر بسترهای شما نیاورند و کسی را که شما آنان را دوست ندارید به خانه تان وارد نسازند؛ مگر با اجازه شما و دیگر اینکه کار زشتی انجام ندهند که اگر انجام دهند خداوند به شما اجازه داده که آنان را در فشار قرار دهید و در خوابگاه از آنان دوری کنید و آنان را بزنید، زدن که شدید نباشد پس اگر دست کشیدند و از شما اطاعت کردند تأمین هزینه آنان و پوشش آنان به طور شایسته و متعارف بر شماست». (آیت الله سیدحسین بروجردی، ۱۳۸۹، ج ۲۶، ص ۹۴۳)

ج) محدوده ضرب از نگاه روایات

در تعیین حد و مرز برخورد فیزیکی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین روایت شده است: «اضربوهنّ إذا عصینکم فی المعروف ضرباً غیر مبرح». (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۱۲۸ - ۱۲۹)

اگر زنان در دایره معروف به مخالفت با شما برخیزند آن ها را



بزديد، اما به گونه ای که آزادی در پی نداشته باشد.

رابطه میان روایت نهی و جواز ضرب

عاطفه و احساس قوی زن قادر به عمل بارهای سنگین نیست، تحمیل بیش از توان او را پڑمرده می کند و پا در موضع عناد و لجابت قرار می دهد.

از طرفی همان پیامبری که نهی از ضرب زوجه می کند، زوجه را مخاطب قرار داده تا از آزار و اذیت شوهر دست بردارد و می فرماید: «من کان له امرآه تؤذیله لم یقبل الله صلاتها و لا حسنه من عملها حتی تعینه و ترضیه و ان صامت الدهر و قامت الیل و اعتقت الرقاب و انقضت الاموال فی سبیل الله و کانت اول من ترد النار». (محسن ماجراجو، ۱۳۸۳، ص ۱۷۰ - ۱۷۱)

هرکس زوجه ای داشته باشد و او را آزار دهد اگر زن همه عمر را روزه بگیرد و شب ها را به عبادت بپردازد و بندگان را از قید بردگی آزاد نماید و اموالی را در راه خدا انفاق کند، خداوند از او نه نمازی و نه هیچ کار نیکی را نخواهد پذیرفت، مگر اینکه آن مرد را از خود راضی و خشنود سازد و او را یاری کند و إلا او نخستین کس می باشد که وارد آتش شود.

سؤال: آیا نشوز و احکام آن در نکاح دائم و منقطع مانند هم است یا در مواردی با یکدیگر تفاوت دارند؟

جواب: در نکاح منقطع مهر بر زمان تجزیه می شود و نشوز زوجه بر حسب مدت زمان در میزان مهر تأثیر می گذارد. وضعیت مهر در نکاح منقطع از جهتی شبیه نفقه در نکاح دائم است. در عقد دائم ما بازمی بضع یا تمکین مهر قرار دارد. بر این اساس، اگر زوجه منقطعه تمکین نکند، استحقاق وی برای مهر از دست می رود. بعضی فقها نوشته اند: اگر زوجه منقطعه در زمان زوجیت، مدتی تمکین نکند، به نسبت آن از مهر کسر می شود، و اگر در تمام مدت زوجیت خود را از شوهر منع نماید، برای او مهری نخواهد بود.

اثر نشوز زوجه منقطعه در کسر مهر به نسبت مدت نشوز مستند به روایات متعددی است که از اهل بیت (علیه السلام)، وارد شده است. از جمله روایت عمر بن حنظله از امام صادق (علیه السلام) است.

وی می گوید به امام صادق (علیه السلام) گفتیم: «زنی را یک ماه در برابر مهر مشخص متعه می کنم. زن پاره ای از ماه می آید ولی پاره ای از ماه را تخلف می کند. حضرت فرمود: از مهرش به اندازه ای که از تو



باز داشته باز گیر به غیر از ایام حیضش را که حق اوست» (آیت الله سیدحسین بروجردی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۳)

و به همین دلیل درباره مانعیت قاعدگی در تحقق نشوز و کسر از مهر اتفاق نظر فقهی وجود دارد؛ لکن درباره سایر عذرهای مانند بیماری یا حبس زوجه اختلاف شده است. اگر چه قلمرو وظایف زوجه در نکاح دائم و منقطع متفاوت است و وظایف زوجه منقطعه کمتر است، ولی به نظر می‌رسد ضابطه نشوز و موجبات و موانع آن همان است که قبلاً بیان شد. در حقیقت، عقد منقطع نکاح است وقتی از احاکم نکاح بحث می‌شود، نکاح دائم و منقطع مراد است و استثناً به دلیل نیاز دارد. (فرج الله هدایت نیا، ۱۳۹۶، ص ۳۲۴ - ۳۲۵)

فصل چهارم: تنبیه زوجه از دیدگاه فقه‌های اهل سنت دیدگاه اهل سنت و نشوز زن و مصادیق آن:

اول: نصیحت و ارشاد با حکمت و موعظه نیکو (فعظوهنّ).
دوم: ترک معاشرت با زوجه و دوری کردن و عزل فراش از زوجه (واهجروهنّ فی المضاجع)
سوم: ضرب یا زدن با مسواک که نحوه تأدیبی داشته باشد. (واضربوهنّ)

چهارم: و زمانی که با این سه راه کار به مقصد نرسیدند، پس از اهل شوهر و زن حکم انتخاب کنند.
به نقل از ابن عباس و عطاء، ضربی که جنبه تأدیبی داشته باشد با مسواک است و علماً گفتند: ضرب در محل واحد نباشد. و از زدن صورت که آن جمیع محاسن است پرهیز کند و زدن با اینکه ضرب مباح است اما علماً اتفاق دارند بر ترک آن و افضل همین است. (محمدعلی الصابونی، ص ۴۶۹)

فقه‌های اهل سنت درباره معنای تخافون دو نظر دارند:

الف) علم به نشوز: زیرا ترس از چیزی فقط زمانی است که در همان موقع علم داشته باشد. پس جایز است در مکان خوف (یخاف) یعلم وضع شود.

ب) و فرّاء که به معنی گمان و ظن گرفته شده است و محمد بن کعب می‌گوید: «هو الخوف الذی هو خلاف الأمن»

فعظوهنّ: خوفوهنّ بالله و بعقابه، یعنی با پند و اندرز از عذاب و عقاب خدا بترسانند. (الامام ابی بکر احمد الرازی الجصاص، ۱۴۲۱هـ،



وجوه اشتراک و اختلاف فقهای امامیه و اهل تسنن در باب معنی لغوی و اصطلاحی نشوز یک نظر هستند به جز مذهب حنفی که عدم استمتاع را سبب سلب نفقه نمی‌داند و خروج از منزل را عدم تمکین و اطاعت دانسته و موجب سلب نفقه می‌داند. و چون ادله قرآنی بین ما و اهل سنت مشترک است:

در جواز ضرب مصداق و محدوده تنبیه زن مشترک بوده که همان (موعظه و هجر و ضرب) است و فقط در جمع و ترتیب مراحل سه گانه تنبیه از ضعیف به قوی و اینکه به دست شوهر یا حاکم باشد اختلافاتی وجود دارد که حتی بین خود فقه امامیه نیز اختلاف وجود دارد که آنهم منشأ اختلاف در فهم آیات و ادله فقهی و روایاتی است که در این زمینه به دست ما رسیده است.

اسلام و مسلمین چه فقه شیعه و چه اهل تسنن در مسئله عدم خشونت علیه زن اتفاق نظر دارند و اگر آیه ۳۴ سوره نساء سه راهکار موعظه و هجر و ضرب را ارائه می‌دهد به خاطر تداوم و ثبات زندگی زوجین می‌باشد و با قصد تأدیب و اصلاح زن ناشزه است تا دل به زندگی داده و زندگی سرشار با آرامش برای همسر و خانواده اش را مهیا سازد و قرآن وظایف همسران را در قبال کدیگر یادآوری می‌کند؛ و گرنه آیات و روایات زیادی وجود دارد که احترام به زنان یک اصل شناخته شده و کسی حق تحقیر و توهین به زنان را ندارد و چه در خانواده و چه در اجتماع و برای تحقیر و توهین زن مجازات‌هایی وضع شده است؛ زیرا از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات وارده نزد خداوند ملاک برتری انسان‌ها نزد پروردگار تقوی است و مرد فضیلتی نسبت به زن ندارد و اگر برتری هم داده شده بنا بر قوامیت و برای تدبیر و مدیریت خانواده و ثبات آن است.





فهرست منابع و مآخذ

•قرآن کریم

- ۱.ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین، ترتیب مقایس الغه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم، ۱۳۸۷.
- ۲.اتابکی، پرویز، فرهنگ جامعه کاربردی فروزان، ج ۱، فروزان فر، تهران، ۱۳۹۰.
- ۳.اسکندری، عبدالکریم، موقعیت حقوقی زنان بزه دیده در فقه و حقوق، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، قم، ۱۳۹۱.
- ۴.اسلامی، محمدرضا، آشنایی با حقوق زن در قرآن، مخومقلی فراغی، گرگان، ۱۳۸۹.
- ۵.امامی نمین، محمود، کریم راجی، شروط عدم تمکین در نکاح دائم، جنکل، دانشگاه علامه محدث نوری، تهران ۱۳۹۵.
- ۶.امامی، مسعود، فصلنامه تخصصی طهورا، سال دوم، شماره چهارم، صاحب امتیاز: مؤسسه آموزش عالی شهیده بنت الهدی (رض)، قم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- ۷.الانصاری قرطبی، محمد بن احمد، جامعه الاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، دارالکتاب العربی، بیروت - لبنان، ۱۴۲۹ هـ - ۲۰۰۸ م.
- ۸.انیس، ابراهیم، منتصر، عبدالعلیم، الصوالحی، عطیه، احمد، محمد خلف، فرهنگ المعجم الوسیط، ج ۲، مترجم: محمد بندی ریگی، اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.
- ۹.بحرانی، سید هاشم، ترجمه تفسیر روایی البرهان، ج ۳، مترجمان: دکتر رضا ناظمیان، دکتر علی گنجیان و دکتر صادق خورش، کتاب صبح، تهران ۱۳۸۹.
- ۱۰.بروجردی، سید حسین، ترجمه جامع الاحادیث الشیعه، نکاح ۲، ج ۲۶، مترجمان: احمد اسماعیل تبار، سید احمد رضا حسینی، مهدی حسینیان قمی، فرهنگ سبز، تهران، ۱۳۸۹.
- ۱۱.البعلکی، روحی، المورد، ترجمه: محمد مقدس، امیر کبیر، تهران ۱۳۸۵.
- ۱۲.جرّ، خلیل، ترجمه کتاب المعجم العربی الحدیث، ج ۱، ترجمه: سید حمید طبیبیان، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۳.جمعی از نویسندگان، تهیه دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه خراسان رضوی، زن و خانواده در افق وحی، مؤسسه بوستان کتاب، قم ۱۳۹۱.
- ۱۴.جمعیت زنان جمهوری اسلامی، نگرشی گذرا به مقام زن در همان آفرینش، هاد، بی جا، ۱۳۶۸.
- ۱۵.حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل (ط - القدیمه)، ۲ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، هرق،
- ۱۶.حسینی، سید محمد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، سروش و انتشارات صدا و سیما، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۷.حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه



- علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۰ هـ ق،
۱۸. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحدیث)، ۶ جلدی، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۰ هـ ق،
۱۹. خزائلی، محمد، احکام قرآن، بدرقه جاویدان، تهران، ۱۳۸۴.
۲۰. خمینی، روح الله، ترجمه تحریر الوسيله همراه با متن عربی، ج ۴، مترجم: حجه الاسلام سيد باقر موسوی همدانی، دارالعلم، قم، ۱۳۹۰.
۲۱. خمینی، سيد روح الله موسوی - مترجم: اسلامی، علی، تحریر الوسيله - ترجمه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۲۱، ۱۴۲۵ هـ ق،
۲۲. الرازی الجصاص، ابی بکر احمد، احکام القرآن، دارالفکر، بیروت - لبنان، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م.
۲۳. رحمانی، امیر، بررسی فقهی مدیریت در روابط زن و شوهر، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ مؤسسه بوستان کتاب، تهران ۱۳۹۱.
۲۴. رستگار، بهنام، حقوق مثبته زن در قوانین و فقه، نوید شیراز، شیراز، ۱۳۷۹.
۲۵. شریعتمداری، محمود رضا، حقوق زوجین، آوای نور، تهران، ۱۳۸۸.
۲۶. شمس الدین، محمد جعفر، النکاح و الطلاق و توابعه فی الفقه الاسلامی، ترجمه: سيد محمدرضا واحدی، خرسندی، تهران، ۱۳۹۱.
۲۷. شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن بابويه قمی، مصحح علی اکبر غفاری، جلد ۳، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ هـ ق.
۲۸. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابويه، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۳ هـ ق،
۲۹. الصابونی، محمد علی، تفسیر آیات الاحکام من القرآن، ج ۱، الصباح، دمشق.
۳۰. صادقی، شهره، نفقه زوجه در مذاهب خمس، تهیه: دانشگاه باقرالعلوم، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۰.
۳۱. طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسيله إلى نیل الفضيلة، در یک جلد، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، قم - ایران، اول، ۱۴۰۸ هـ ق،
۳۲. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - سلطان العلماء)، ۲ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۲ هـ ق،
۳۳. عروسی حویزی، شیخ عبد علی، تفسیر شریف نور الثقلین، ترجمه: حجه الاسلام سيد حسن موسوی خراسانی، کتاب تحقیق، چاپ نوید اسلام، قم ۱۳۹۴.
۳۴. قرضاوی، یوسف، دیدگاه های فقهی معاصر، ۳، براساس منابع و دیدگاه اهل سنت، ترجمه دکتر احمد نعمتی، احسان، تهران، ۱۳۸۹.
۳۵. گرجی، ابوالقاسم، آیات الاحکام حقوق و جزایی، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۰.
۳۶. لطفی، اسدالله، آیات الاحکام خانواده، خرسندی، تهران ۱۳۹۰.
۳۷. ماجراجو، محسن، نیازها و روابط زن و شوهر، لاهوت، تهران، ۱۳۸۳.
۳۸. مسجد سرای، حمید، فقه ترمینولوژی، اصطلاح شناسی فقه امامیه، روایت نو،

- تهران، ۱۳۹۳.
۳۹. مشایخی، قدرت الله، خانواده از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، دانشگاه الزهراء س، تهران، ۱۳۸۷.
۴۰. معلوف، لوسی، المنجد الطلاب، ترجمه: محمد بندي ريگي، ايران، تهران، ۱۳۸۴.
۴۱. مغنيه، محمد جواد، الفقه على المذاهب الخمسه، ترجمه و تدوين: دکتر حميد مسجد سرايي و دکتر مصطفى جباري، شرکت نشر بهينه فراگير، تهران، ۱۳۹۳.
۴۲. ميرشمسي، فاطمه، مباني حقوق و تکاليف زن در ازدواج از دیدگاه فقه اماميه، اسلاميه، تهران، ۱۳۸۰.
۴۳. نيشابوري، مسلم بن حجاج، مختصر صحيح مسلم، اختصارکننده: علامه زكي الدين عبدالعظيم منذري، مترجم: عبدالقادر ترشايي، انتشارات حرمين، زاهدان، ۱۳۸۷.
۴۴. وسمقي، صديقه، زن، فقه، اسلام، نشر صمديه، تهران، ۱۳۸۷.
۴۵. هدايت نيا، فرج الله، نشوز زوجين در فقه و نظام حقوقی ايران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي، تهران ۱۳۹۶.

